

اسناد شاپور ریپورتر

نویسنده

جلال فرهمند

فصل اول

[۱]

طکیو^۱ فی ۱۰ دسمبر ۱۹۰۵

چندی است در این پایتخت اقامت دارم و مشغول سیروسياحت هستم. بزرگی ژاپان به واسطه وجود بزرگانش است و الحمدالله که هر دورا در این مملکت خوب درک می‌کنم. چون بعد از جشن نوروز راجع به دارالخلافه خواهم شد شفاهاً مشهودات و معلومات خودم را عرض خواهم نمود. به حضور حضرت اجل آقای وزیر نظام دام‌اجلاله و جنابان آقایان آجودان‌باشی و سالار مفتخم دام اقباله عرض سلام دارم.

بنده سمیزپیشه،

اردشیر جی

[پشت کارت پستال]

طهران، در خانه حضرت وزیر نظام

۱. توکیو.

به خدمت جناب آقای سیف السلطنه دام‌اقباله‌العالی مشرف گردد.

[۴۷۲۸۲]

[۲]

از بمبئی به طهران فی ۵ جولای ۱۹۰۶

از خادم ملت اردشیرجی به گرامی برادر مکرم میرزاکیومرس وفادار

۱. نامه مورخه ۵ جون گذشته شما به توسط ملا شاهمردان چند روز پیش از این رسیده از مضمونش آگاه گردیدم.

۲. از روزنامه‌جاتی که برای شما فرستاده‌ام البته مطلع خواهید شد که ما در اینجا کار را به کجا رسانیده‌ایم و پیش از اینکه عازم ایران گردم هر خدمت مخصوصه، به عمل خواهد آمد.

۳. خودم که آماده حرکت بودم ولیک چون محض اینکه به گرامی برادر محترم ارباب خسرو ناکامی حاصل نیاید حرکت خودم را تا پنجاه روز دیگر معوق داشته‌ام. این نوع تعویق باعث ضرری بدین خادم ملت شده است، یعنی قریب یک هزار و هشتصد روپیه ضرر می‌کنم؛ در هر صورت راضی به قبول چنین ضرر هستم و یقین دارم که به لطف ایزدی بهره‌مند خواهم گردید.

۴. در لندن تاکنون هشت هزار روپیه به نسبت بهدینان ایران از طرف شخصی مبذول آمده است و چون به جناب سر مینوچهر جی هروانجی بهاونگری مشروحاً عرض کرده‌ام شاید دوسه هزار روپیه دیگر از زردشتیان لندن بخشیده آید.

۵. در اینجا نیز قرار شده است که به سرنشینی جناب مستطاب سر جمشیدجی انجمنی عمومی منعقد گردد و از ارباب خیر استعانت کرده آید. هنوز با سرجمشید جی در این باب گفت‌وگویی نکرده‌ایم و لیکن تا دوسه روز دیگر روز انجمن معین خواهد شد. فرمایش سرجمشید جی بر این است که نخست زردشتیان ایرانی بایست کاری کنند. لهذا در این دو سه روز بعضی از کسانی خیراندیش را باز تحریک بروز همت و غیرت لازمه خواهیم کرد و امیدواریم که به مهر ایزدی موفق خواهیم شد.

۶. حیف که اسفندیار کیخسرو ریابادی و برادرش شهریار هنوز در بروز همتی کوتاهی می‌کنند و قدر موقع را نمی‌دانند در صورتی که این دو تن فکر درستی کنند

ممکن است که مبلغ ده هزار روپیه برای اداره علمیه ملت قسمت شود و رفع بد نامی از بهدینان ایرانی گردد.

کوشیدنی را کوشیده و می‌کوشیم و امیدواریم به مهر ایزدی کامیاب شویم. خیلی کسانی از همان زردشتیان یزدی هستند که به کمال بی‌غیرتی ساکت نشسته‌اند و راضی به دادن یک پول سیاه هم نیستند و باز بسیاری هستند که سالی مبلغی...^۲ مقدسه تقدیم می‌کنند و ذکری از اولاد ملت خود نمی‌کنند. تمام این امراض به واسطه بی‌علمی و بی‌تربیتی است و تا مسئله تربیت در میان بهدینان ایران معمول نشود رفع این امراض طول خواهد کشید.

۷...^۳ معروفه امیدوارم نتیجه زحمات شما به طور دلخواه به ظهور آید. در این باب با ملا خداداد خرمنشاهی مفصلاً مذاکره کرده بودیم ولیک نمی‌فهمم میلش بر چه بوده و هست.

۸. شرح آن احمق چسی نگاشته لعنتش می‌کنید. این همان احمق است که مکرر به شما معرفی شده است. روز عزلش دور نیست ولی وقتی که معزول شد زیستش در ایران ممکن نخواهد بود عکسهای که در اداره مسیو آنتوان یکی یک قران می‌فروشد به مدیر روزنامه جام جمشید یکی هشت قران محسوب داشته است و بیل گنده درست کرده است و از مبلغ یک هزار روپیه مبدوله جناب ارباب جمشید مبلغ دوپست و پنجاه روپیه گرفته است.

وقتی که مدیر روزنامه را دیدم خوب فهمانیدمش و امیدوارم که من بعد از روی احتیاط با این مخبرخائن رفتار خواهد کرد. درهر صورت این جوان به صفات پست موصوف بود. بجز بروز پستی و دنائت چه می‌توان کرد؟ اما چون به اداره خود...^۴ معرفی کرده است یقین بدانید که در اندک زمان معزول خواهد گردید. از اینکه درباره این خادم ملت بروز شناخت و زشتی داده است آگاه هستم. بنده هیچ وقت راضی به مکاتبه و مراسله با او و امثالش نمی‌گردم. چنانچه پیشتر نوشته بودم، در یکی از خطوط مفصلش شرحی در باب شخص شما نوشته بود و می‌خواست مدلل بدارد که شما تمام وقت بیرون هستید و مواجب مفتی می‌خورید و غیره و غیره. ایضاً در باب گرامی برادر خواجه اردشیر مهربان یعنی مسیو نیز غیبت کرده بود. حیف که جمعی هنوز از نکبت این جوان

۲. ناخوانا.

۳. چند کلمه ناخوانا.

۴. و ۳. ناخوانا.

آگاه نیستند و او را ساده و صادق تصور می‌کنند.

۹. از یزد هیچ خبری ندارم؛ یعنی مدتی می‌شود مکاتبه نمی‌کنم به دلیل اینکه اگر دیگران گرفتار مرض تلون هستند بنده نمی‌توانم ترک استقامت نمایم. استادان وقتی به قدری فریفته لافهای آن...^۵ سوری شده بودند که باور کردند بنده معزولم و بنابراین به خوشامدبازی پرداختند. نمی‌دانند اردشیر مهربان و برادرانش کنون به چه شکل در اینجا فاش شده‌اند. کیخسرو مهربان که جرئت نمی‌کند حرفی زند و لیک کرده و پرداخته این مرد بدبخت نیز فاش شده است. این اشخاص هرگاه خیراندیش بودند در این بیست سال گذشته خیلی کارآمد به ملت می‌شدند و لیک حیف که بغض و حسد به طوری بر قلبشان غالب است که نیکی و خوبی به نسبت ملت قسمتشان نمی‌گردد.

کاش تا ورودم به طهران اردشیر مهربان در یزد می‌بود و ملتفت نفوذ می‌شد یعنی به طوری ملتفت می‌شد که دیگر ترک لافزنی کند.

۱۰. از استعفاء استاد جوانمرد از مدرسه خسروی البته اطلاع دارید. سالی سیصد و شصت تومان خواست و بدین بهانه استعفا داد. کاش این مرد قدر زحمات خود را می‌دانست و هرگز چنین ادعا نمی‌کرد این مبلغ، که داده است که دیگران بدهند؟ در هر صورت حرکت جاهلانه کرده است و خیراندیشان ملت را از خود رنجانده است.

[۱۱]. دستور خداداد هم شرحی درباره استادان و متولیان نوشته متشکی شده است. درد واقعی را بنده بهتر دیگران می‌فهمم ولیک چاره درد بدین زودی ممکن نخواهد شد. [۱۲]. نمی‌دانم در مدرسه کشیشیه یعنی آن دختران دائر است یا نه؟ به طوری که می‌شنوم استاد مروارید را در مدرسه خسروی اجیر کرده‌اند. هرگاه اجیر شده است در صورت بروز استقامت و مواظبت موفق خواهد شد ورنه بدنام خواهد شد. چون بیچاره استاد خرمن هم مستحق همراهی است. در باب او توصیه لازمه کرده‌ام تا درد نازفروشی قدری تخفیف یابد هرگاه پره‌گل نامی دختر باهوشی را به موقع متوجه می‌شدند او امروز خوب کارآمد می‌شد و لیک درد حسد مانع ترقی آن دختر شد حیف که استاد جوانمرد خرف شده است و نه درک گذشته می‌کند و نه فکری از آینده دارد. به عقیده‌ام صرف فریفته مغرضین بدکیش گردیده است و به بهانه مواجب مانع خیر خود شده است.

[۱۳]. هرگاه گویند که دستور خدایار را چرا اینقدر همراهی می‌کنند هیچ ملتفت نیستند که دستور خدایار با همه عدم استقامت و جهالتش به مقام علم مستوجب

همراهی است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید که او مستحق همراهی نیست. مقام ظاهری او در هر صورت دلیل استحقاقش است. هرگاه استادان ملتفت خیر ملت می‌بودند امروز به طوری اتفاق می‌کردند که خیر ملت به عمل می‌آمد ولیکن بغض و حسد مع تحریکات...^۶ سوریان باعث نفاق گشته نتیجه‌اش را می‌توان خوب تصور کرد.

[۱۴]. بر شما روشن است که خسرو اسفندیار نامی، مردمی که در اداره جناب ارباب جمشید نوکر است و حالا در همدان کار می‌کند، مبلغی از شخصی بدبخت بیچاره خرمشاهی گرفته خورده است. قبضش از ملاشهریار اسفندیار و بهرامجی بدین خادم ملت رسیده بود و من به وقت حرکت از طهران به گرامی برادر مکرم خواجه اردشیر مهربان داده بودم؛ لهذا به رسیدن این خط در این باب جویا شده کاری کنید که بیچاره شخص خرمشاهی آسوده شود. اتفاق این خیانت بر همه روشن است و خسرو نیز منکرش نمی‌توان شد لهذا هرگاه دوستانه نشود به جناب ارباب جمشید عرض کنید تا معزی‌الیه به داد مرد بدبخت بیچاره برسند. حیف که نام نیک ملت را چنین اشخاصی بدین جرئت ضایع می‌کنند!

[۱۵]. در باب دارالوکاله در خط سابقم ذکر لازم کرده‌ام. بر آن مخبر دروغ‌نویس لعنت که به نشر دروغین طرفین را گرفتار کرده است. روزی انتشار داده بود که هر سال جناب ارباب جمشید مبلغ بیست و یک هزار روپیه به صورت آب خوردنی به مسلمانان طهران می‌رسانند و غیر از این خیرات دیگر دارند که مخفی می‌مانند. در این باب از خادم ملت پرسشی شد و با کار صاحبان عرض کردم که بنده اطلاعی ندارم. گفتند کسی که برای اهل اسلام هر سال بدین پایه بذل و بخشش کند البته فقر و بیچارگی همکیشان خود را صرف‌نظر نمی‌کند لهذا مخارج گاهنبار ما و تعمیر دارالوکاله را نیز لطف کنند. در هر صورت این نوع انتشارات مانع ارباب خیر می‌شود و واضح می‌گویند که اگر جناب ارباب جمشید پنجاه هزار تومان به ملت خود بخشند خیلی بجا خواهد بود.

مخبر دروغ‌پیشه روزی نوشته بود که اعلیحضرت همایونی در جمشیدآباد به مهمانی تشریف فرما شدند و مخارج یک چنین مهمانی فلان مبلغ گزافی شد. در چنین صورت زردشتیان هندوستان حق دارند بگویند که دیگر از خود زردشتیان ایران بایست استعانت شود. در هر صورت حالا که ما استعانت می‌کنیم این درد را خوب درک می‌کنیم کاشکه

مخبر دروغ‌نویس هیچ در طهران دیده نمی‌شد.

[۱۶]. چون بنده نمی‌توانم تا مدتی در اینجا بمانم لهذا بعد از انعقاد انجمن عمومی به سوی کشمیر خواهم رفت و جناب ارباب خسرو هم همراه خواهند بود.

[۱۷]. امیدوارم همه دوستان و آشنایان بنده به صحت مزاج بهره‌مندند. به خدمت همه عرض سیمز و سلام دارم.

[۱۸]. چون نطق لارد^۷ کرزن به نسبت فقر زردشتیان ایران جمعی را به حرکت آورده است خودم در روزنامجات نوشته و می‌نویسم و زردشتیان هند را از اوضاع واقعی آگاه می‌سازم. [۱۹]. نیز در باب تحصیل ملکی به صورت فرمان دولتی مطلبی و ایضاً در باب افتتاح اداره تجاریه و طرضیه ارباب خسرو ترتیبی پیش کرده‌ایم. در این باب انجمنی منعقد خواهد شد و سرجمشید جی و ارکان ملت تشریف خواهند آورد. در هر حال، موقع را غنیمت شمرده ما در ادای خدمت و تکالیف هیچ کوتاهی نمی‌کنیم.

[۲۰]. به قدر هفتاد عدد از نسخه مخصوصه روزنامه انگلیسی که به اسم تهی پاری معروف است برای ارکان دولت علیه ارسال شده است و امیدواریم که متدرجاً معرفی ایران‌پرستی فطری زردشتیان هندوستان به حضور ارکان و اعیان دولت علیه بشود. یک جلد مخصوص نیز به توسط جناب حاجی محتشم‌السلطنه به خاکپای همایونی تقدیم خواهد شد و بعد از مراجعت به طهران بعضی خدمات معروض دولت علیه خواهد شد.

[۲۱]. یزدان را سپاس که در این پنجاه سال گذشته اشخاصی میان زردشتیان از امثال سرجمشید جی و جمشید جی تا تا به ظهور رسیده پایه و مایه زردشتیان بسی افزوده است ولیک چون از هر طرف آثار مخصوص هویدا می‌باشد می‌توان گفت که در پنجاه سال دیگر بهترین خدام دولت علیه از زردشتیان ایران‌پرست خواهند بود و ایران‌پرستی چنین خدام صادق بر رونق دولت علیه و ترقی نوع نجیب ایرانی خواهد افزود. باز از زمان ورود مرحوم مانکجی صاحب در ایران تاکنون ملتفت باشید که در تاریخ زردشتیان ایران چه باب سعادت مفتوح شده است و دولت علیه به چه اندازه به نسبت زردشتیان مرحمت دارد. برادران تخم سعادت کاشته شده است ولیک بر زردشتیان ایران سزد که این تخم را مواظبت کنند تا بر و ثمری که مطلوب روزگار است به موقع به ظهور رسد و

ملت متمتع گردد.

[۲۲]. لهذا نشر تربیت از لوازم زندگی بهدینان باید محسوب شود و به قوه علم و...^۸ زردشتیان ایران به مقام خود رجعت کنند و بر دولت و ملت مدلل دارند که کیش پاک یزدانی که شت و خشور،^۹ قرنهای پیش از این، قسمت ایرانیان گردانید هنوز مسطر سعد و ترقی بوده به وسیله چنین مسطر می توان بر نکبت حالیه غالب شد و درگیتی و مینو سرفراز آمد. امیدوارم شما با نور چشم خداداد به صحبت بهره مند می باشید. بر خداداد ماندگار بنویسید که به مجرد اینکه از بمبئی حرکت کردم تلگرافاً در بین راه به هر جایی که معین بشود خواهم خواست آسوده باشد و در باب عروسی پسر خود فکری کنید. به استاد مروارید هم ایضاً سلام رسانید.

خادم ملت، اردشیرجی
چون روزنامه جات انگلیسی مستمراً به اسم من از لندن خواهد آمد آنها را حفظ کنید تا من برگردم و هرگاه خطوطی باشد به مجرد وصول این خط به توسط جمشیدیان...^{۱۰} بفرستید که مضامینشان معلوم گردد.

[۴۷۲۸۱ تا ۴۷۲۷۱]

[۳]

سواد است

جواب نمره ۲۱۶ کرمان ۱۴ سنبله ۱۳۳۵

زردشتیان کرمان، مقامات مربوطه از مفاد تلگراف راجع به عدم صلاحیت مداخله اردشیرجی به امور زردشتیان ایران مطلع گردیدند. ۱۴ سنبله نمره ۱۰۰۰

محمدعلی

ریاست وزراء

جواب نمره ۲۱۶ کرمان ۱۰ سنبله ۱۳۳۵

زردشتیان کرمان، تلگراف شما با سیم کمپانی در باب عدم رسمیت اردشیرجی ملاحظه شد. دولت هم مشارالیه را به رسمیت نمی شناسد و حق مداخله به حدود و حقوق

۸. ناخوانا.

۹. زردشت.

۱۰. ناخوانا.

جماعت زردشتی ندارد.

نمره ۳۷۵۹
مستشارالدوله
وزارت داخله
[۱۷۰۸۱-ن]

[۴]

وزارت امور خارجه
اداره تحریرات انگلیس
مورخه: ۲۶ محرم ۳۷
نمره: ۳۴۳/۱۵۹

مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت شوکته
رقیمه مبارکه مورخه ششم برج عقرب نمره ۱۷۴۰ حاوی عرضحال انجمن
زردشتیان و سه فقره تلگراف شکایت از رجعت اردشیرجی به سمت سرپرستی
زردشتیان ایران شرف حصول بخشید. عین همین شکایات را هم مستقیماً به وزارت امور
خارجه اظهار داشته‌اند. به ژنرال قونسول دولت علیّه در هندوستان تلگراف شد که
اظهارات زردشتیان ایران را به انجمن خیریه پارسیان ابلاغ و از معاودت اردشیرجی به
این سمت به ایران جلوگیری کنند و نتیجه را اطلاع دهد. به محض اینکه جواب از ژنرال
قونسولگری رسید خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت. مشروح انجمن زردشتیان
طهران و سه طغرا تلگراف آن را اینک تلوّاً اعاده داد.

فدوی [: امضا ناخوانا]

[مهر:] وزارت جلیله امور خارجه

[در حاشیه:] به سابقه مراجعه کنند [و] به آقای ارباب کیخسرو بدهند...^{۱۱}

[۱۷۰۸۴ - ن]

[۵]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از یزد به طهران

تاریخ وصول ۳۰ میزان ۱۳۳۷

توسط انجمن محترم زرتشتیان - مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته، اردشیرجی که سابقاً به کارهای داخله زرتشتیان دخالت می نمودند چون امتحان خوبی ندادند عموماً از مراجعت مشارالیه به ایران ناراضی و استدعا داریم که از طرف دولت علیه به سر دینشاه رسماً امر شود که مشارالیه را تبدیل به احسن نمایند والا چون این ملت به دخالت اردشیرجی راضی نیست رسماً او را ممنوع دارند.

فدویان، انجمن ناصری زرتشتیان

[۱۷۰۸۷ - ن]

[۶]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از یزد به طهران

تاریخ وصول عقرب ۱۳۳۷

توسط انجمن محترم زرتشتیان طهران - مقام منبع مقدس ریاست وزراء عظام دامت شوکته احتراماً عرض می شود: اردشیرجی ریپورتر که سابقاً دخالت در نظارت مدارس زردشتیان داشته و اسباب اختلاف زرتشتیان و عدم رضایت آنها را فراهم کرده ظاهراً به مأموریت سابقه به صوب ایران می آیند؛ مستدعی است به وسایل مقتضیه از سر دینشاهجی تپیت در بمبئی تغییر مشارالیه و تعیین شخص صالحی به جای ایشان بخواهند. در صورت عدم قبول مشارالیه را به رسمیت نخواهیم شناخت.

کنکاش موبدان

[۱۷۰۸۸ - ن]

[۷]

Andjoman Zartochtian

(طهران)

انجمن زرتشتیان

TEHERAN

۱۹ محرم ۱۳۳۷ نمره ۵۵۲

مقام منیع ریاست وزراء عظام مدظلهم

از یزد و کرمان که محل اجتماع زردشتیان است سه فقره عریضجات تلگرافی رسیده
 لفاً تقدیم می‌باشد. دو فقره از طرف انجمنهاست که در هر شهر انجمن آنجا از منتخبین
 جماعت و نماینده رسمی جماعت است و یک فقره از جانب کنکاش مؤبدان که هیئت
 روحانیون جماعت زردشتی هستند و نسبت به آنچه از آن دو نقطه به عرض رسانیده‌اند
 این انجمن هم موافق و مؤید است. و خلاصه آنکه پارسیان بمبئی انجمنی دارند ناظر بر
 امور خیریه و موقوفات خودشان در هندوستان.

همکیشی آنها مقتضی این بود که از حال مظلومیت و پیریشانی همکیشان خود در
 ایران نیز مستحضر بوده مساعدتی خیرخواهانه کرده باشند و برای این استحضار و انجام
 این مقصود نماینده موسوم به مانکجی به ایران فرستادند و آن مرحوم در مدت زندگی
 خود به قدر امکان مقصود را به عمل آورد. بعد از فوت ایشان، کیخسرو جی نام به ایران
 فرستادند و او هم در مدت قلیل مأموریت خود به تکلیف خویش عمل کرده وفات یافت.
 سپس میستر اردشیر جی ایدلجی معروف به ریپورتر را فرستادند. متأسفانه با آنکه
 مشاراًلیه مدت مدیدی در ایران توقف داشت موفق به انجام مقصود نگردیده و به علاوه
 آنکه به دست ایشان سعادت قرین جماعت نشد. نیز جماعت در مدت مأموریت ایشان
 ترقی قهقرایی کرده و اتفاق و اتحاد خود را به نفاق مبدل نموده با انتظار به مساعی ایشان
 سالهای طولانی از قافله سعادت و ترقی و کامرانی عقب‌افتاده و خیلی مسائل دیگر که
 برای حفظ حیثیت جماعت لب فرو می‌بندیم.

چون جماعت بیشتر تحمل بدبختی و فلاکت خود را نتوانست لهذا از یزد و کرمان و
 طهران باب شکایت به هندوستان گشوده و حتی به دولت علیه ایران عرضحال داده شد
 که جماعت زردشتی از مشاراًلیه ناراضی بوده ایشان را به هیچ سمت و رسمیت

نمی‌شناسد. لهذا مشارّالیه چهارده ماه قبل به بمبئی احضار شد؛ و به واقع در غیاب ایشان یک سکونت و آرای فوق‌العاده در جماعت پدید آمده و نفاقهای زمان ایشان به اتفاق مبدل گردیده و به امید آتیّه با سعادت به سر می‌بردند؛ ولی بدبختانه، از قرار اطلاعات تلگرافی اخیر، مجدد مشارّالیه مأموریت حاصل نمود که برای تکمیل مقاصد گذشته خود به ایران مراجعت کند. این است که هیجان فوق‌العاده در زردشتیان یزد و کرمان و طهران پدید آمده به عرض می‌رسانیم که چون زردشتیان ایران افتخار دارند که ایرانی باقیمانده و جز دولت ایران پناهی برای خود ندارند در این صورت بدیهی است حفظ حقوق این جماعت هم مانند سایر ایرانیان در ید کفایت اولیای عظام دولت علیّه است و بعد از آنکه قانون مملکتی حفظ حق افراد را علی‌السویه قرار داد همه قسم راه امیدواری باز است و نیاز به وجود خارجی نیست. هر گاه برای راهنمایی جماعت به سعادت و خیر خود استحکام در مذهب است رهنمای خیرخواه بی‌غرض لازم است که به هیچ‌وجه در امور سیاسی و در حقوق جماعت مداخله نکرده یا معلم مدرسه باشد یا واعظ و حال آنکه بعد از ۲۳ سال تجربه به علاوه آنکه همچو امید و انتظاری را جماعت در مأموریت اردشیرجی ندارد جماعت از زوال و اضمحلال خود در سایه مقاصد و نظریات خاص ایشان در وحشت است. این است که از یزد و طهران و کرمان متفقاً به عرض رسانیده استدعا و استرحام می‌نمائیم: اولاً به فوریت و قبل از حرکت مشارّالیه از بمبئی از جانب وزارت جلیله امور خارجه به قونسولگری بمبئی تلگراف و امر شود به جناب سردینشاه‌جی تپیت رئیس انجمن خیریه پارسیان اعلام شود تقاضای زردشتیان ایران این است که اگر فی‌الواقع برای سعادت زردشتیان ایران میل فرستادن مأموری دارند یک نفر صالح خیرخواه بی‌غرض به جای اردشیرجی معین و با دستوری مشخص روانه کنند که از حدود خود تجاوز به حقوق زردشتیان تبعه ایران و در سیاست مداخله نمایند و اگر همچو وجودی نادر است چندی زردشتیان ایران را به حال خود بگذارند و هیچکس نفرستند والا اگر اردشیرجی را از روی لجاج بفرستند هر روز اسباب زحمت دولت بوده زردشتیان ایران او را به هیچ سمتی به رسمیت نخواهند شناخت و دولت ایران نیز هیچ او را به رسمیت نمی‌شناسد؛ ثانیاً مطابق مستدعیات فوق استدعاست به تمام وزارتخانه‌ها و دوائر دولتی و مأمورین یزد و کرمان تقاضای این جماعت راجع به عدم رسمیت اردشیرجی اعلام شود.

در خاتمه استدعای سرعت صدور تلگراف و اوامر مطاعه نموده بقای استقلال

مملکت و فیروزی و کامکاری ملت و دولت ایران را در سایهٔ عدالت اعلیحضرت اقدس
همایونی خلدالله ملکه خواستار گردیده به شرافت تبعیت دولت علیه ایران مباهات
می‌نماییم.

ایام شوکت مستدام باد

انجمن زردشتیان طهران

[در حاشیه:] جواب بدهند از طرف وزارت امور خارجه در این باب اقدامات مقتضیه
شده است.

۱۶ عقرب ۹۷

[۱۷۰۹۰ و ۱۷۰۸۹ - ن]